

## شهید سید محمد باقر صدر

(۱۴۰۰-۱۳۵۳ق)

رحیم ابوالحسینی

### مقدمه:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران / ۱۶۹)

در طول تاریخ انسان‌های بزرگ و آزاداندیشی وجود داشته‌اند که مجاهدت‌های صادقانه آن‌ها آن‌طور که شایسته مقام آن‌ها بوده است، به مردم معرفی نشده است؛ کسانی که در راه اعتلای کلمه اسلام و وحدت میان ملت‌های مسلمان تلاش‌های مخلصانه‌ای انجام داده‌اند و در این راه جان خویش را فدا کرده‌اند. آیت الله شهید سید محمدباقر صدر از جمله شخصیت‌های بزرگی است که مجاهدت‌ها و اندیشه‌های اصیل او کم‌تر به جوامع اسلامی شناسانده شده و واقعیت‌های زندگی او کم‌تر مورد اهتمام قرار گرفته است. او از آغاز زندگی، خویش را وقف دفاع از اندیشه‌های اصیل اسلامی نموده و در برابر خودکامگان بعثی عراق کم‌ترین هراسی به خود راه نداده و با قلم و زبان خویش پرچم مبارزه با افکار الحادی و انحرافی را برافراشت و نسل متعهد مسلمان را به همراهی با خود فرا خواند.

این نوشتار اندک، به سرگذشت رادمردی از نسل پیامبر ﷺ می‌پردازد که در عرصه‌های گوناگون حضوری فعال و کارساز داشت و با بهره‌گیری از نیروی قلم و زبان در ارایه مبانی ارزشی اسلام در همه زمینه‌های اعتقادی، اجتماعی و سیاسی از هیچ کوششی فروگذار نکرد. او اگر چه از عمر کوتاهی برخوردار بود و به تمام آرزوهای بلند دینی و سیاسی خود نرسید اما به حق باید گفت خدمات او به اسلام در دوره ۴۷ ساله زندگی‌اش هیچ‌گاه فراموش شدنی نیست و به ویژه آن‌گاه که در مقام مقدس مرجعیت قرار گرفت به طور کامل به حفظ کیان امت اسلامی همت گماشت و هویت دینی را در سرزمین‌های اسلامی گسترش داد. گفتنی است در این مقاله از منابعی استفاده شده است که

نویسندگان آن از شاگردان نزدیک آیت الله شهید صدر بوده و بسیاری از وقایع و صحنه‌ها را از نزدیک شاهد بوده‌اند.

### آل صدر و شخصیت‌های برجسته این خاندان:

اجداد و دودمان شهید صدر در طول بیش از دو سده در کشورهای لبنان، سوریه و عراق مشعل هدایت انسان‌ها و مرکز زعامت دینی بودند. آنان در طول این مدت به القابی چون: «آل ابی سبحة، آل حسین القطعی، آل عبدالله، آل ابی الحسن، آل شرف الدین» و در نهایت، «آل صدر» شهرت داشتند. نسبت آل صدر که آخرین سلسله این خاندان است به «سید صدر الدین صدر» (م ۱۲۶۴ق) بر می‌گردد.

سید صدر الدین در سال ۱۱۹۳ قمری در روستای معرکه در ناحیه جبل عامل چشم به جهان گشود و در سن ۴ سالگی همراه پدرش سید صالح به نجف عزیمت کرد و سپس به کاظمین و از آن‌جا به اصفهان رفت و پس از آن دوباره به نجف بازگشت و در همان‌جا در سال ۱۲۶۴ قمری وفات یافت و در زاویه غربی صحن امام علی علیه السلام نزدیک باب سلطانی به خاک سپرده شد. وی در زمره یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان و عالمان برجسته شیعه بود. از آغاز کودکی در فراگیری علوم اسلامی شوق وافر داشت و گفته می‌شود تعلیق خود بر کتاب *قَطْرُ الندی* را در سن هفت سالگی نگاشت و از خود او نقل شده که در سال ۱۲۰۵ ق، یعنی در سن ۱۲ سالگی، در مجلس درس استاد کل، وحید بهبهانی، حضور می‌یافت و قبل از رسیدن به سن بلوغ به پایه اجتهاد دست یافته و از دست مبارک علامه سید علی طباطبایی صاحب ریاض (م ۱۲۳۱ ق) گواهی اجتهاد دریافت نموده است. (حسینی حائری، ۱۳۷۵، ص ۱۶ و ۱۷).

از شخصیت‌های دیگر این خاندان، مرحوم سید اسماعیل صدر (۱۳۳۸ ق) است که او نیز مانند پدرش سید صدر الدین، مرجعیت دینی را بر عهده داشت. وی پس از آن که پدرش در سال ۱۲۶۴ ق چشم از جهان فرو بست، تحت حمایت برادرش محمدعلی صدر معروف به آقا مجتهد قرار گرفت تا این که به مراتب رشد و کمال رسید. او که در اصفهان اقامت داشت در سال ۱۲۸۰ هجری، یعنی در سن ۲۲ سالگی، به نجف اشرف هجرت کرد تا در آن‌جا در محضر استاد اعظم شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۰ ق) فقه و اصول را فراگیرد، اما هنگامی که به کربلا رسید شیخ انصاری درگذشته بود. وی از کربلا به نجف رفته و در محضر اساتید دیگر نجف شاگردی نمود تا این که خود در ردیف یکی از بزرگان طراز اول شیعه و جزء دانشمندان قرار گرفت که علاوه بر تبحر در دروس فقه و اصول و

دستیابی به مقام مرجعیت، از دانش‌های عقلی زمان خود هم‌چون کلام، فلسفه، ریاضیات، هندسه، هیئت و نجوم قدیم نیز بی‌بهره نبود. (نعمانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۲).

آخرین استاد او در دوران تحصیل، میرزا محمدحسن مجدد شیرازی بود که سید اسماعیل از شاگردان ویژه او به شمار می‌رفت. بعدها که میرزای شیرازی به سامرا هجرت کرد، وی هم‌چنان در نجف ماند تا آن‌که در نیمه شعبان ۱۳۰۹ ق به قصد زیارت تربت پاک امام حسین علیه السلام راهی کربلا شد و در این شهر بود که نامه‌ای از استاد خود میرزای شیرازی دریافت نمود که استاد از او خواسته بود بدون سستی و درنگ رهسپار سامرا گردد. سید اسماعیل نیز در خواست استاد را لیبیک گفته به سوی سامرا حرکت کرد و طبق سفارش استاد خود، در شهر سامرا ماندگار شد و پس از وفات مرحوم میرزای شیرازی، مرجعیت شیعه را به عهده گرفت. (حسینی حائری، پیشین، ص ۲۲).

سید اسماعیل به دلایلی، از سامرا به کربلا رفت و در اواخر عمر برای معالجه بیماری‌اش به کاظمین انتقال یافت و در سال ۱۳۳۸ قمری در کاظمین وفات یافت و در جوار پدر بزرگوارش سید صدر الدین صدر در مقبره خانوادگی خاندان صدر به خاک سپرده شد. (پیشین، ص ۲۳).

یکی دیگر از شخصیت‌های این خاندان، مرحوم سید حیدر صدر (م ۱۳۵۶ ق) فرزند سید اسماعیل صدر و پدر شهید سید محمدباقر صدر می‌باشد. سید حیدر از نوابغ روزگار و مظهر زهد و وارستگی بود. در سال ۱۳۰۹ هجری در سامرا به دنیا آمد و در تاریخ ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۵۶ در کاظمین درگذشت و در مقبره خانوادگی آل صدر به خاک سپرده شد. وی در کودکی و در سال ۱۳۱۴ ق همراه پدرش به کربلا هجرت کرد و دروس مقدماتی را نزد چند تن از اساتید آن جا آموخت. سپس در بحث‌های خارج پدرش سید اسماعیل و در جلسات درس سید حسین فشارکی و مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی (م ۱۳۵۵ ق) در کربلا حضور یافت، به گونه‌ای که در سنین جوانی جزء دانشمندان سرشناس حوزه به شمار می‌رفت. از سید حیدر دو پسر و یک دختر به جای ماند: ۱- آیت الله سید اسماعیل صدر؛ ۲- شهید سید محمدباقر صدر؛ ۳- شهیده آمنه صدر معروف به بنت الهدی. (نعمانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۷).

مادر شهید سید محمدباقر صدر دختر مرحوم آیت الله شیخ عبدالحسین آل یاسین بود که خود از بزرگ‌ترین فقیهان روزگار بود. این بانوی وارسته پس از سپری کردن عمری طولانی و مشاهده حادثه جانگداز شهادت دو فرزند خود (شهید صدر و خواهرش بنت الهدی) در ماه ربیع الثانی ۱۴۰۷ ق دعوت حق را لیبیک گفت. (حسینی حائری، پیشین، ص ۳۲).

## تولد و دوران کودکی شهید صدر

شهید سید محمدباقر صدر در پنجم ذی قعدة ۱۳۵۳ قمری در شهر کاظمین چشم به جهان گشود. پدرش سید حیدر از مراجع عظام تقلید بود که سلسله تبار این خاندان به امام موسی بن جعفر علیه السلام متصل است و از ویژگی‌های افراد این خانواده آن است که همگی در زمره مجتهدان و عالمان زمان خود بوده‌اند و این ویژگی کم‌تر در افراد یک خاندان دیده می‌شود. (نعمانی، پیشین، ص ۴۷).

بعد از درگذشت پدر دانشمندش، زیر نظر مادر پاکدامن و برادر خویش سید اسماعیل صدر پرورش یافت. از آغاز کودکی نشانه‌های نبوغ و تیزهوشی در وی آشکار بود. وی دروس ابتدایی خود را در مدرسه «متدی النشر» در کاظمین فرا گرفت و به گفته دوست صمیمی او مرحوم محمدعلی خلیلی که با هم در یک مدرسه تحصیل می‌کردند، تیزهوشی و اخلاق پسندیده او موجب می‌شد که همه دانش‌آموزان مدرسه از کوچک و بزرگ به وی توجه کنند و دائماً رفتار او را زیر نظر داشته باشند. هم‌چنان که آموزگاران نیز او را مورد احترام و تقدیر قرار می‌دادند. در مدرسه همه می‌دانستند که او دارای هوشی فوق‌العاده است و در دروس مدرسه به مراتب از همسالان خود جلوتر است. به همین دلیل آموزگاران مدرسه همیشه او را به عنوان بهترین نمونه دانش‌آموز کوشا و مؤدب به دیگران معرفی می‌کردند. (حسینی حائری، پیشین، ص ۳۶).

یکی از عواملی که زمینه‌ساز شناسایی بیش‌تر او نزد مردم شد و آوازه او را از چهار دیوار مدرسه فراتر برد، ایراد سخنرانی‌ها و خواندن اشعاری بود که وی در مراسم عزاداری سرور شهیدان امام حسین علیه السلام قرائت می‌کرد. شهید صدر در همان دوران ابتدایی بر فراز منبری که در صحن کاظمی قرار داشت، می‌رفت و ایراد خطبه می‌کرد. بیان آهنگین و گفتار روان او که بدون کم‌ترین درنگ، کلمات را ادا می‌کرد، همه را غرق در شگفتی می‌ساخت و شگفت‌تر آن‌که او این مطالب را در فاصله بین مدرسه تا صحن شریف کاظمی حفظ می‌کرد. (پیشین، ص ۳۷).

شهید صدر از نظر فکری و فهم مطالب چنان از هم‌کلاسی‌های خود جلوتر بود که برخی از مطالبی را که او برای دوستان خود در زنگ تفریح مدرسه، بیان می‌کرد برای آن‌ها تازگی داشت. وی با مطالعه کتاب‌های غیردرسی مانند کتاب‌های فلسفی و مباحث نوین آن روز، سخنانی بر زبان جاری می‌ساخت که دوستان او برای نخستین بار واژه‌هایی نظیر مارکسیزم، امپریالیسم و دیالکتیک را می‌شنیدند و با شخصیت‌هایی چون ویکتور هوگو و گوته آشنا می‌شدند. شهید صدر در ایام ابتدایی چنان با هیبت و بزرگواری بود که یکی از معلمانش به نام «أبو براء» درباره او می‌گوید: «هرگاه با

معلمانش سخن می‌گفت سر را به زیر می‌انداخت و دیدگانش را فرو می‌افکند. من او را از یک سو به عنوان کودکی پاک و بی‌گناه دوست می‌داشتم، و از سوی دیگر به عنوان مردی بزرگ به وی می‌نگریستم و او را احترام می‌کردم چرا که آکنده از دانش و معرفت بود تا بدان جا که روزی به وی گفتم: من در انتظار فرا رسیدن روزی هستم که از چشمه دانش و آگاهی تو سیراب شوم و در پرتو اندیشه‌ها و نظریات شما راه بیابم. اما او در نهایت ادب و احترام و همراه با شرم زدگی پاسخ داد: استاد! مرا ببخشید من پیوسته شاگرد شما و شاگرد هر کسی که در این مدرسه به من درس آموخته است، بوده‌ام». (پیشین، ص ۴۶).

### شهید صدر در حوزه نجف اشرف

شهید صدر پس از پایان دوره ابتدایی در شهر کاظمین، با وجود فشارهایی که از سوی آشنایان خود تحمل می‌کرد، دروس دولتی را رها کرد و بنا به سفارش مادرش عازم حوزه علمیه نجف شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. (نعمانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۲)

وی در سال ۱۳۶۵ ق در محضر دو نفر از بزرگ‌ترین شخصیت‌های علمی حوزه نجف اشرف، یعنی مرحوم شیخ محمدرضا آل یاسین و مرحوم سید ابوالقاسم خویی شاگردی نمود. در سن یازده سالگی منطق را فراگرفت و رساله‌ای در همین موضوع نگاشت. موضوع رساله او بررسی اعتراضاتی بود که به برخی از کتاب‌های منطقی وارد شده است. در اوایل دوازده سالگی کتاب معالم الاصول را نزد برادر خود مرحوم سید اسماعیل صدر آموخت. از تیزهوشی او همین بس که بر صاحب معالم ایراداتی را وارد کرد که مرحوم آخوند خراسانی در کفایه به آن‌ها اشاره کرده است.

هم‌زمان با شرکت او در درس مرحوم آل یاسین، شماری از دانشمندان و اساتید مانند: شیخ صدرا بادکوبی، شیخ عباس رمیثی، شیخ طاهر آل راضی، سید عبدالکریم علیخان، که نقش استادی شهید صدر را بر عهده داشتند، نیز در این درس حاضر بودند. (نعمانی، پیشین، ص ۶۸). برادر وی مرحوم سید اسماعیل صدر درباره ایشان چنین گفته است: «برادر ارجمند ما همه مدارج علمی را پیش از رسیدن به سن بلوغ پیموده است». (حسینی حائری، پیشین، ص ۴۸).

در سال ۱۳۷۰ که شیخ مرتضی آل یاسین به لقای حق شتافت، وی تعلیق‌های بر رساله عملیه وی که «بلغة الراغبین» نام داشت، نگاشت و در همان ایام، حواشی شیخ عباس رمیثی بر این رساله را نیز تنظیم می‌کرد که شیخ عباس به او گفت: «تقلید بر شما حرام است»، کنایه از این‌که شما مجتهد

مسلم هستيد. شهيد صدر تحصيلات اصولی خود را در سال ۱۳۷۸ ق و دروس فقه را در سال ۱۳۷۹ ق به پايان رساند. به اين ترتيب دوران تحصيل او از آغاز تا پايان حدود هفده يا هجده سال شد. اين مدت اگر چه کوتاه بود اما در واقع بسيار دامنه دار و گسترده بود، زيرا او در شبانه روز شانزده ساعت مطالعه می کرد و در همه حالات جز به مسایل علمی فکر نمی کرد.

وی به طور رسمی از روز سه شنبه دوازدهم جمادی الثانی سال ۱۳۷۸ ق تدریس خارج اصول را آغاز کرد و این دوره درسی تا سال ۱۳۹۱ ق ادامه یافت. هم چنین شهيد صدر تدریس خارج فقه را به روش عروة الوثقی در سال ۱۳۸۱ ق آغاز کرد که مدت ها ادامه داشت. (حسینی حائری، پیشین، ص ۴۹).

### شاگردان شهيد صدر

شهيد صدر در مدت حیات علمی خود شاگردان ارزنده ای تربیت نمود که برخی از آنها تا مرحله اجتهاد نزد استاد شهيد حضور داشتند. در واقع استاد شهيد دو نسل از دانشمندان برجسته را پرورش داد. نسل اول شماری از دانش پژوهان تیزهوش بودند که از ابتدا در حلقه درسی وی حضور یافتند. نسل دوم را نیز گزیده ای از دانش پژوهان هوشمند و اهل نظر تشکیل می دادند که در اواخر دوره اول خارج اصول به حلقه درس استاد پیوستند و تا آخر دوره دوم خارج اصول ادامه دادند. گذشته از این دو گروه برجسته، گروهی دیگر از طلاب نیز از چشمه سار جوشان دانش فراوان استاد بهره ها برده و نکته ها آموختند.

اما مهم تر از همه باید به نخبگانی از دانش پژوهان دو دوره درسی استاد اشاره کرد که پیوند عاطفی ایشان با شهيد گرانقدر به حدی غیر قابل وصف رسیده بود. در میان این دسته از شاگردان او می توان به کسانی چون: شهيد سيد محمدباقر حکيم، سيد نورالدین اشکوری، سيد محمود هاشمی، شيخ محمدرضا نعمانی، سيد کاظم حسینی حائری، سيد عبدالغنی اردبیلی، سيد عبدالعزيز حکيم، شهيد سيد عزالدین قبانچی، سيد حسين صدر، سيد محمد صدر، سيد صدر الدین قبانچی، شيخ غلامرضا عرفانیان، شيخ محمدباقر ایروانی و بسیاری دیگر اشاره کرد.

در آن ایام که در نتیجه سرکشی و جنایات حزب کافر بعث شرایط سختی حکم فرما بود، شاگردان استاد، دوران مشقت باری را سپری می کردند. گاهی برخی از ایشان در خانه استاد (که در بازار عماره نزدیک مدرسه صغیر آیت الله بروجردی واقع بود) به حضور آن تندیس دانش و پارسایی شرفیاب می شدند و به سخنان گهربار ایشان گوش فرا می دادند.

## آثار و تألیفات

شهید صدر آثار علمی متعددی از خود بر جای گذاشته که در موضوعات مختلف به رشته تحریر درآمده است. قلم او در موضوعات متنوع علمی حکایت از بینش وسیع او در عرصه‌های اجتماعی، دینی، سیاسی، اقتصادی و فلسفی دارد. وی در تمام این عرصه‌ها کتاب‌های ارزشمندی نگاشته که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- اقتصادنا؛

۲- الاسس المنطقية للاستقراء؛ (این کتاب، علاوه بر چاپ‌های متعدد، به زبان فارسی نیز برگردانده شده است. نام فارسی آن «مبانی منطقی استقراء» می‌باشد که توسط سید احمد فهری ترجمه شده است).

۳- الاسلام يقود الحياة؛ شش جزوه از این مجموعه در سال ۱۳۹۹ قمری به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی در ایران چاپ گردید که عبارت‌اند از:

الف - لمحة فقهية تمهيدية عن مشروع دستور الجمهورية الاسلامية في ايران؛

ب - صورة عن اقتصاد المجتمع الاسلامي؛

ج - خطوط تفصيلية عن اقتصاد المجتمع الاسلامي؛

د - خلافة الانسان و شهادة الانبياء؛

هـ - منابع القدرة في الدولة الاسلامية؛

و - الاسس العامة للبنك في المجتمع الاسلامي.

۴- البنك الاربوي في الاسلام؛ این کتاب به صورت مقالات مستمر توسط آقای گل‌سرخی کاشانی ترجمه و در ماهنامه مکتب اسلام چاپ شده است).

هـ- بحوث في شرح العروة الوثقى؛

ع- بحوث حول المهدي (عج)؛ (این کتاب بارها چاپ شده و به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. در ابتدا به عنوان مقدمه‌ای بر کتاب «تاریخ الغيبة الصغرى» سید محمد صدر، نوشته شد اما بعد به صورت کتاب مستقل به چاپ رسید و ترجمه آن با نام «امام مهدی (عج) حماسه‌ای از نور» منتشر شده است).

۷- بحث حول الولاية؛ (این کتاب با نام «تشیع مولود طبیعی اسلام» توسط آقای علی حجتی کرمانی به زبان فارسی برگردانده شده است. هم‌چنین ترجمه دیگری از این کتاب به قلم آقای آیت‌اللهی منتشر گردیده است).

- ۸- بلغة الراغبين؛ (تعلیقه بر رساله عملیه مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد رضا آل یاسین).
- ۹- دروس فی علم الاصول؛ (این کتاب در سه مرحله به نام «حلقات» نگاشته شد که حلقه سوم آن دارای دو بخش می‌باشد).
- ۱۰- فدک فی التاریخ؛ (یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخی صدر اسلام پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ در این کتاب مطرح شده و چگونگی شکل‌گیری نظام سیاسی و اجتماعی اسلام را بررسی نموده است. این کتاب بارها چاپ شده و به زبان فارسی نیز ترجمه گردیده است).
- ۱۱- فلسفتنا؛ (این کتاب بارها در ایران و بیروت چاپ شده و مجموعه‌ای از مباحث فلسفی اسلامی به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای با مکاتب جدید مادی به ویژه مارکسیزم می‌باشد).
- ۱۲- غایة الفکر فی علم الاصول؛ (از این کتاب فقط جزء نخست آن در سال ۱۳۷۴ شمسی چاپ شد).
- ۱۳- المعالم الجديدة للاصول؛ (این کتاب، بارها به چاپ رسیده است که نخستین بار آن در سال ۱۳۸۵ ق توسط دانشکده اصول دین در عراق بوده است).
- ۱۴- المدرسة الاسلامیة؛ (دو بخش از این کتاب چاپ شده است: بخش اول، الانسان المعاصر و المشكلة الاجتماعیة. بخش دوم، ماذا تعرف عن الاقتصاد الاسلامی).
- ۱۵- منهج الصالحین؛ (تعلیقه‌ای بر رساله عملیه آیت العظمی سید محسن حکیم می‌باشد).
- ۱۶- موجز أحكام الحج.

### جایگاه علمی شهید صدر

ویژگی‌های علمی شهید صدر تنها به دانش فقه و اصول محدود نمی‌شود، بلکه دیدگاه‌های فکری او در عرصه‌های منطق، فلسفه، اقتصاد، اخلاق، تفسیر و تاریخ نیز قابل ملاحظه است و او در هر یک از این موضوعات تألیفات ارزشمندی دارد. نوآوری‌ها و سخنان تازه او در موضوعات بالا به هیچ وجه قابل انکار نیست.

استاد شهید در کتاب «المعالم الجديدة للاصول» سیر شکوفایی علم اصول را در سه مرحله دسته‌بندی کرده است که در این جا مجال بازگویی آن‌ها نیست. اما مباحث تازه‌ای که شهید صدر مطرح کرد، در واقع مرحله چهارمی را به وجود آورد که بعد از مراحل مقدماتی، مرحله ثمردهی علمی، و مرحله رشد و کمال علمی، وارد دوره رشد نهایی اصول گردید که در این مقاطع،



بحث‌های ارزنده او، هم‌چون گوهری تابناک بر تارک دانش اصول درخشید. بحث‌های شهید صدر در باب سیره عقلائیّه و سیره متشرعه و راه‌های کشف آن و قواعد حاکم بر آن، از این نمونه است و یا به عنوان مثال، مباحثی که وی در مسئله حجیت قطع و مسئله «مولویت مولا و حدود آن» انجام داد از نمونه‌های دیگر نوآوری و ابتکارات شهید صدر می‌باشد. (حسینی حائری، پیشین، ص ۶۷).

هم‌چنین، نوآوری‌ها و ابتکارات این شهید در دانش فقه کم‌تر از نوآوری‌های وی در علم اصول نیست. از مجموعه بحث‌های فقهی ایشان، چهار جلد کتاب با نام «بحوث فی شرح العروة الوثقی» به زیور طبع آراسته شده است. در این کتاب‌ها پژوهش‌های ارزنده‌ای به چشم می‌خورد که هیچ دانشمندی پیش از وی آن‌ها مطرح نکرده است. آن‌چه شهید صدر در نظر داشت این بود که در دانش فقه از چند جهت دگرگونی پدید آورد که نسبت به برخی از این آرمان‌ها در حدی که تدریس نمود یا کتابی نوشت، توفیق یافت. سعی او بر این بود که در استنباط احکام، ویژگی‌های فردی و نگرش‌های محدود را به ویژگی‌های اجتماعی و نگرش‌های جهانی تبدیل کند. برای مثال، او می‌خواست اخبار مربوط به تقیه و جهاد را با دیدگاه‌های اجتماعی و همگانی مورد استنباط قرار دهد و یا مثلاً دلایل مربوط به حرمت ربا را با توجه به مصالح اجتماعی و نگرش عمومی مورد تحلیل قرار دهد. در واقع او تلاش می‌نمود دامنه مباحث فقهی به صورتی سازگار و هماهنگ با نیازهای روز و با روشی کارآمد، استوار گردد تا نشان دهد که فقه می‌تواند همه ابعاد زندگی را زیر پوشش خود بگیرد و همگام با تمام شرایط فردی و اجتماعی پیش رود. شهید صدر با نگارش رساله عملیه خود به نام «الفتاوی الواضحة» که به صورتی نوین و متفاوت از رساله‌های مراجع دیگر، تدوین یافته تا اندازه‌ای به این هدف نزدیک شد.

وی هم‌چنین با نگارش کتاب‌های «فلسفتنا» و «اقتصادنا»، مکاتب فلسفی مادی و اقتصادی مارکسیزم و کاپیتالیسم را نقد نموده و در این راستا از روشی نو و دلایلی استوار بهره جستته است؛ چنان که در زمینه‌های منطق، تاریخ، تفسیر و مانند این‌ها گام‌های مؤثری برداشته و تألیفات ارزشمندی ارائه کرده است که در این‌جا فرصت معرفی آن‌ها نیست.

### تأسیس جماعة العلماء و نقش شهید صدر

تأسیس این مؤسسه یک حرکت ارزشمند اسلامی بود که توسط گروهی اندک از دانشمندان بزرگ نجف اشرف در زمان عبدالکریم قاسم آغاز گردید. استاد شهید در هنگام پایه گذاری این حرکت، سنین

جوانی را پشت سر می‌گذارد و از اعضای حرکت «جماعة العلماء» به شمار نمی‌آید. اما به رغم این عدم وابستگی، نسبت به این اقدام پر برکت اسلامی دلسوزی می‌نمود و در تحریک و راهنمایی این حرکت، نقش کلیدی ایفا می‌کرد. (نعمانی، پیشین، ص ۲۴۰).

مرحوم شهید سیدمحمدباقر حکیم در این باره می‌گوید: «به حق باید گفت که نقش اساسی در تشکیل این گروه بر دوش شخصیت علمی و خردمندانه شهید صدر و نیز تلاش‌های مرجعیت دینی آن زمان، مرحوم سید محسن حکیم بود. درست است که استاد شهید سید محمدباقر صدر به دلیل کمی سنّ به عنوان یکی از اعضای رسمی «جماعة العلماء» فعالیت نمی‌کرد، اما نقش بسزای او را در راه‌اندازی این گروه و جهت دادن به آن، هرگز نمی‌توان انکار کرد». (حسینی حائری، پیشین، ص ۸۱).

به دنبال این حرکت، علمای بزرگ نجف توانستند برنامه‌های درست اسلامی را عرضه کنند و در طریق ایجاد یک نیروی سیاسی توانمند و مستقل اسلامی گام بردارند. تلاش آنان در قالب بیانیه‌ها، کنفرانس‌های عمومی، پیوند با برخی سازمان‌ها و اتحادیه‌های جوان و انتشار مجله «الأضواء الإسلامية» صورت می‌گرفت. نشریه الاضواء زیر نظر هیئتی چاپ می‌شد که اعضای آن را دانشمندان جوان حوزه علمیه تشکیل می‌دادند و پیوندی قوی با شهید صدر داشتند. بعد از گذشت کم‌تر از یک سال، «جماعة العلماء» توفیق یافت به عنوان پایگاهی اسلامی و جوان در جامعه اسلامی حضور یابد و بنا بر آن گذاشته شد که مجله «الأضواء الإسلامية» از یک سو به عنوان ارگان رسمی این گروه و از سوی دیگر، به منظور استمراربخشی به راهی که آغاز شده بود، منتشر گردد. بدیهی است با انتشار این مجله و ارایه دیدگاه‌های فکری و سیاسی اسلام و عرضه مبانی و روش‌های اسلامی در راه پیشبرد اجتماع و تدوین برنامه‌های گسترده به ویژه با مطالبی که در سرمقاله با عنوان «رسالتنا» توسط شهید صدر و با اسم جماعة العلماء منتشر می‌شد، روح اسلامی را در قشرهای وسیعی از مردم مسلمان بر می‌انگیخت و غیرت دینی را در آنان تقویت می‌نمود. (پیشین، ص ۸۲).

### تأسیس حزب الدعوة الإسلامية

استاد شهید در آغاز جوانی، حزبی را به نام «حزب الدعوة الإسلامية» پایه گذاری کرد. این اقدام در ظرف زمانی خود، با توجه به سطح فکر سیاسی موجود آن روز در حوزه علمیه نجف، از شعور عمیق سیاسی وی حکایت می‌کرد و حرکتی آگاهانه به شمار می‌آمد. در روزگاری که بسیاری از دین‌داران

هرگونه انتساب به یک حزب اسلامی را نشانه انحراف از اسلام اصیل و همگامی با استکبار می‌دانستند، پیشگامی او در برافراشتن بنیان یک حزب اسلامی، به راستی بازگوکنندهٔ بینش عمیق او بود. جریان تأسیس این حزب در سال ۱۳۷۷ ق اتفاق افتاد و روند رشد و کمال آن در چهار مقطع قرار داده شد: الف - مقطع ایجاد و تأسیس حزب و دگرگونی فکر امت؛ ب - مقطع اقدامات سیاسی؛ ج - مقطع دست‌یابی به قدرت؛ د - مقطع رسیدگی به مصالح امت اسلام.

شهید صدر در جلسات هفتگی خود به بررسی و تحلیل این مقاطع می‌پرداخت. اما با آن‌که خود در تأسیس حزب پیشگام بود بعد از حدود پنج سال این تشکّل اسلامی را ترک کرد، زیرا برخی بدخواهان نسبت به این عمل او نزد مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم زبان به اعتراض گشودند. از جمله این افراد، حسین صافی بود که فردی روحانی نما و در واقع از طرفداران حزب بعث عراق به شمار می‌آمد. وی نزد آیت الله حکیم اظهار داشت: «سید محمدباقر صدر و شماری از افراد او اقدام به تأسیس حزبی به نام حزب الدعوة الاسلامیه کرده‌اند. اینان با کار خود موجب ویرانی حوزه علمیه خواهند شد». (حسینی حائری، پیشین، ص ۹۴).

آیت الله العظمی حکیم او را از پیش خود راند و سپس یکی از فرزندان خود را نزد سید صدر فرستاد و به او پیغام داد که: «شأن شما پاسداری از همهٔ حرکتهای اسلامی است، اما وابستگی به یک حزب خاص سزاوار نیست. شما باید همهٔ ابعاد مسایل اسلامی را مورد نظر داشته باشید». (پیشین، ص ۹۵).

شهید صدر پاسخ داد که من در این باره خواهم اندیشید، اما بعد از مدتی از حزب مذکور کنار کشید. وی پس از رحلت آیت الله العظمی حکیم، به تدریج عهده‌دار امر مرجعیت شد و در این زمان بود که نظریه «لزوم جدایی دستگاه مرجعیت صالحه از تشکیلات حزبی» را مطرح ساخت. او معتقد بود نظام مرجعیت عهده‌دار رهبری صحیح امت اسلامی است نه یک حزب سیاسی و اگر چه وجود یک حزب اسلامی ضرورت دارد تا بازوی مرجعیت بوده و زیر نظر آن حرکت کند، اما در هم آمیختن و یکی کردن دو عنوان «سازمان سیاسی اسلامی» و «نظام مرجعیت» سبب خلط کارها شده و به تداخل حوزهٔ فعالیت این دو پایگاه مستقل می‌انجامد. (پیشین).

### مرجعیت شایسته و مرجعیت نظام یافته

یکی از برنامه‌های ارزشمند شهید صدر در طول ده سال پایانی عمر کوتاه و پر برکت خود، برگزاری جلسات هفتگی در منزلش بود. استاد در این جلسات، شاگردان برجسته و شناخته شدهٔ خود

را گرد هم می‌آورد و با آنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی و رویدادهای سیاسی گفت‌وگو می‌کند و بسیاری از گرفتاری‌های مسلمانان در جوامع شیعی و سنی را برای آن‌ها بازگو می‌نمود. هر کس که در این مجالس حضور می‌یافت به روشنی می‌دید که استاد تا چه اندازه به نیازهای مسلمانان در سراسر کشورهای اسلامی و غیراسلامی توجه داشت، به طور جدی پیرامون آن‌چه به سود اسلام و مسلمانان است می‌اندیشید، در راه استوارتر شدن پایه‌های حوزه‌های علمیه و مراکز و اجتماعات گسترده‌ی عالمان دینی در همه شهرها می‌کوشید، مبارزان در برابر کفر و طاغوت را در سراسر بلاد اسلامی راهنمایی می‌کرد و بالاخره مسلمانان را به حیات دوباره و فعال فرا می‌خواند. در این جلسات، شهید صدر با الهام از مبارزات امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی ایران نظریه «مرجعیت شایسته» و «مرجعیت نظام یافته» را مطرح ساخت و معتقد بود مرجعیت شایسته باید سیمایی روشن و یک‌دست از اهداف خود ارایه دهد و این حرکت هدف‌دار و آگاهانه پیوسته بر اساس آرمان‌های تعیین شده به پیش برود، نه آن‌که اقدامات آن پراکنده، سردرگم و فاقد هویت منسجم باشد و تنها بر اثر فشارهای ناشی از نیازهای مقطعی گام بردارد. (حسینی حائری، مباحث الاصول، ج ۱، ص ۹۹).

وی در این نظریه به صورت مبسوط اهداف و برنامه‌های مرجعیت شایسته و نظام یافته را تبیین نمود و همیشه آرزوی تحقق آن را داشت. بدیهی است در این فرصت نمی‌توان همه جزئیات این طرح را بازگو نمود، اما مبانی کلی این طرح به قرار ذیل است:

- ۱- نشر دستورات اسلامی در میان مسلمانان در گسترده‌ترین حوزه ممکن؛
- ۲- ایجاد حرکتی فکری شامل کلیه مفاهیم اصیل اسلامی و تمام ابعاد زندگی انسان؛
- ۳- نظارت بر حرکت‌های اسلامی و سیاسی؛
- ۴- برپایی مراکزی در سراسر جهان جهت ارتباط با امت اسلامی.

به اعتقاد شهید صدر با تحقق این اهداف، دگرگونی عظیمی در روش کلی و دیدگاه‌های مرجعیت پیرامون رویدادهای جاری و کیفیت برخورد آن‌ها با امت اسلامی پدید خواهد آمد. در واقع تغییر نظام مرجعیت بستگی به ایجاد مرکزی وسیع و کمیته‌های زیردست متشکل از افراد متخصص و کاردان برای اجرای اهداف یاد شده دارد. این مرکز باید جای‌گزین گروهی گردد که از روی اتفاق و رویدادهای طبیعی راه به دستگاه مرجعیت برده و بخش‌هایی از کار را بر دوش می‌کشند. اینان اغلب عهده‌دار بر آوردن نیازهای آنی و حوادث جاری با اتکاء به ذهنیت جزءنگر خود هستند، بدون آن‌که این اقدامات بر آرمان‌ها و اهداف روش‌مند مبتنی بوده و روح کلی حرکت مرجعیت بر آن‌ها حکم‌فرما باشد.

شهید صدر معتقد بود استمرار نظام مرجعیت شایسته در بستر زمان باید به گونه‌ای باشد که از محدوده زندگی یک مرجع معین فراتر رود تا مرجع جدید بتواند مسئولیت‌های خود را از نقطه پایانی فعالیت‌های مرجع پیشین آغاز کند، نه آن‌که از نقطه صفر حرکت نماید و به سختی‌ها و مشکلات ابتدایی حرکت خویش گرفتار آید. این چنین است که نظام مرجعیت می‌تواند در راه دستیابی به آرمان‌های خود پیوسته ثابت قدم بماند و برنامه‌هایی دراز مدت تنظیم نماید. (نعمانی، پیشین، ص ۲۶۹).

### بازداشت‌های شهید صدر

شهید صدر در اثر ستم حزب بعث کافر، چهار مرتبه بازداشت شد. نخستین بار در سال ۱۳۹۲ ق بود که مأموران بعثی سید را در حالی که در بیمارستان نجف در بستر بیماری بود دستگیر نمودند. شهید صدر در اثر مسمومیت شدید، توسط دو تن از شاگردان نزدیکش (سید کاظم حسینی حائری و سید عبدالغنی اردبیلی) به بیمارستان نجف منتقل شد. مأموران بعثی که در پی دستگیری سید بودند، چون از ماجرا اطلاع نداشتند به خانه سید هجوم بردند و بعد از اطلاع از این‌که وی در بیمارستان است، روانه بیمارستان شدند و پس از محاصره آن، از متصدیان امر خواستند سید را به آنان تسلیم کنند. مسئولان بیمارستان از اجرای این خواسته امتناع ورزیدند اما سرانجام مأموران بعثی موفق شدند سید را به بیمارستان کوفه انتقال دهند و در بخش بازداشت شدگان بیمارستان بستری نمایند.

این جریان که به اطلاع امام خمینی نیز رسید، خشم مردم و به ویژه طلاب علوم دینی و در رأس آنان مرحوم آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین و مرحوم سید محمدصادق صدر را برانگیخت. آنان با اجتماع در اطراف بیمارستان کوفه خواستار آزادی سید شدند. رژیم بعثی از پیامدهای این شورش و همچنین از وخامت حال سید، بیمناک شد و در مدتی کوتاه حکم آزادی سید را صادر نمود. (حسینی حائری، پیشین، ص ۱۱۳).

مرتبه دوم در ماه صفر ۱۳۹۷ ق بود که بعد از مراسم قیام گونه اربعین حسینی، استاد شهید بازداشت شد. مرحوم سید بدون آن‌که هیچ ردپایی در هدایت زوار امام حسین علیه السلام که از شهرهای مختلف به کربلا می‌آمدند، برجای گذارد، آنان را با کمک‌های مادی و معنوی خود حمایت می‌نمود. در اربعین سال ۱۳۹۷، رژیم بعث بسیاری از زائران را به شهادت رساند و تعداد زیادی از آنان را نیز دستگیر نمود، و سرانجام با کینه‌توزی تمام از مقام مرجعیت انتقام گرفت و شهید صدر را

بازداشت‌نموده و مورد ضرب و شتم قرار داد که آثار آن بعد از آزادی وی نیز نمایان بود. (پیشین، ص ۱۱۷).

مرتبه سوم در ماه رجب ۱۳۹۹ ق بود که در پی ماجراهایی به وجود آمده در این ماه و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رژیم مزدور بعثی دچار وحشت شدیدی گردیده بود. رژیم بعثی به خوبی دریافته بود که حادثه پیروزی انقلاب اسلامی می‌تواند خطر بزرگی برای وی به شمار آید و آینده نظام عراق را تهدید نماید. ماجرای ماه رجب که الهام گرفته از انقلاب اسلامی ایران و شخص امام خمینی علیه السلام بود، حرکت عظیمی از گروه‌های مردمی و قومی عراق را در برداشت که برای حمایت از انقلاب اسلامی ایران و تأسیس چنین حکومتی در عراق انجام می‌شد.

در پی این تحركات، بسیاری از شخصیت‌های بزرگ عراق دستگیر شدند و پس از چند روز، شهید صدر نیز در بامداد روز سه‌شنبه هفدهم رجب سال ۱۳۹۹ دستگیر شد. در دستگیری شهید صدر دویست نفر از افراد پلیس، ارتش ضد مردمی و اعضای شاخه نجف حزب بعث شرکت داشتند و همه آنان به ابزار و ساز و برگ جنگی مجهز بودند. پس از دستگیری سید، خواهرش بنت الهدی خطاباً آتشینی در محکومیت دولت عراق ایراد کرد که این سخنرانی یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخ انقلاب اسلامی عراق نام گرفت. (حسینی حائری، پیشین، ص ۱۳۶).

مرتبه چهارم و آخرین بازداشت سید که به شهادت او انجامید در سال ۱۴۰۰ ق بود. رژیم بعث که پیش از این برنامه ترور سید را در دستور کار خود داشت، به دلیل عدم موفقیت در این کار، تصمیم به قتل آن عزیز گرفت و پس از گذشت چهار روز از این ماجرا، جنازه پاک آن شهید را نیمه شب به عموزاده وی، مرحوم حجت‌الاسلام سید محمدصادق صدر، سپردند و او را جهت نظارت بر مراسم دفن استاد مکلف نمودند. (پیشین، ص ۱۴۷).

### حدیث شهادت

ماجرای شهادت سید، حادثه‌ای دردناک و اندوه‌بار بود. ابو سعد، رئیس اداره امنیت نجف، هنگام ظهر و بدون اطلاع قبلی به خانه استاد آمد و استاد را به بغداد انتقال داد. به این ترتیب این شهید گرانقدر به دست دژخیمان بعثی افتاد، در حالی که خود می‌دانست به زودی به لقاء الله خواهد پیوست. او بعد از اتمام گفت‌وگوهایش با روحانی‌نمای درباری صدام، در عالم خواب چنین دیده بود که برادرش مرحوم سید اسماعیل صدر و دایی ارجمندش مرحوم شیخ مرتضی آل یاسین هر یک بر روی صندلی جداگانه نشسته‌اند و یک جایگاه نیز در وسط مجلس برای سید در نظر گرفته‌اند.

همچنین میلیون‌ها نفر در آن‌جا حضور دارند که انتظار قدوم سید را می‌کشند. شهید صدر که پس از این خواب، برای شهادت لحظه شماری می‌کرد، در همان هفته‌ای که خواب دیده بود به فیض شهادت رسید. در جنازه آن بزرگوار که به پسر عمویش مرحوم سید محمدصادق صدر تحویل داده شد، نشانه‌های شکنجه دیده می‌شد. در همان ایام، خواهرش بنت‌الهدی را نیز به بهانه ملاقات سید با او، دستگیر و به بغداد انتقال دادند و او را نیز به شهادت رساندند.

آری! این چنین دفتر زندگانی رادمردان و بلند همتان تاریخ بسته می‌شود ولی روح زنده و سرشار از نشاط و بالندگی بزرگانی هم‌چون شهید سید محمدباقر صدر علیه السلام همیشه در میان امت‌های اسلامی حاضر و ناظر است و مسلمانان آزاداندیش جهان آنان را الگو و سرمشق زندگی خود قرار می‌دهند.

با شهادت سید، مجالس سوگواری، تظاهرات اعتراض آمیز، اعتصابات، پیام‌های تسلیت مراجع از جمله امام خمینی و برنامه‌های بزرگداشت در سراسر عراق و بیشتر ممالک اسلامی برگزار گردید و شاعران در رثای او قصیده‌های درخشان سرودند. از بهترین قصاید یاد شده، سروده آقای دکتر داود عطار است که با مطلع زیر آغاز می‌شود:

ای باقر الصدر منا سلاماً  
ای باغ سقاک الحماما  
انت ایقظتنا کیف تغفو  
انت اقسمت ان لن تناما<sup>۱</sup>

## منابع و مأخذ

- ۱- پژوهشکده باقر العلوم وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، گلشن ابرار، نشر معروف، قم، ۱۳۷۸.
- ۲- جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، زندگی‌نامه شهید صدر، زعیم، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- جمشیدی، حسین، اندیشه‌های سیاسی شهید رابع امام سید محمدباقر صدر، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۷.
- ۴- جمشیدی، حسین، نظریه عدالت: از دیدگاه ابونصر فارابی، امام خمینی و شهید صدر، پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

۱- ای باقر صدر سلام ما بر تو باد، کدامین دست پلید جسم پاک تو را به کام مرگ فرو برد؟ تو ما را بیدار کردی پس چگونه خود چشم بر هم می‌گذاری؟ تو سوگند یاد کرده‌ای که هرگز نخواهی خوابیدی.

- ۵- حسینی حائری، کاظم، زندگی و افکار شهید بزرگوار آیت الله العظمی سید محمدباقر صدر، ترجمه و پاورقی حسن طارمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۶- قربانچی، صدرالدین، اندیشه‌های سیاسی آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، ترجمه ب. شریعتمدار، خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۶۲.
- ۷- قلی‌زاده، مصطفی، شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۸- نعمانی، رضا، شهید الامة وشاهدا: دراسة وثائقية لحياة وجهاد الامام الشهيد السيد محمد باقر الصدر، کنگره جهانی امام شهید صدر، قم، ۱۴۲۴ق.

